



جایگاه دفاع پیش‌دستانه از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر تبیین موانع حقوقی بین‌المللی اعمال آن جهت حفاظت از غیرنظامیان



پوریا ابراهیم‌زاده* - دکتر امیرحسین ملکی‌زاده**

This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

با مرور حوادث به وقوع پیوسته در نبردهای بین‌المللی همچون جنگ جهانی دوم متوجه می‌شویم که رهبران کشورهای دارای ناوگان نظامی پیشرفته هیچ ابایی از کشتار غیرنظامیان و نقض اصل تفکیک ندارند. در این میان ایالات متحده آمریکا پای را فراتر گذاشته و با ابداع مؤلفاتی همچون دفاع پیش‌دستانه بدعت جدیدی در مقابل ماده ۵۱ منشور ملل متحد پدید آورده است. ذیل مؤلفه اخیر، آمریکا و پیروان دکترین نظامی این کشور همچون اسرائیل به جای انتظار برای دریافت ضربه نخست از جانب دشمن، صرف کشف تهدید قریب‌الوقوع از سوی دشمن را جواز توسل به زور علیه او دانستند. پرسش کلی تحقیق حاضر آن است که توسل به دفاع پیش‌دستانه در نزد حقوق بین‌الملل تا چه اندازه مقبول است و به لحاظ حقوقی و نظامی رهبران در توسل به این راهبرد جهت حفاظت از غیرنظامیان در برابر تهدیدات قریب‌الوقوع دشمن آنگاه که تهدیدگر هیچ ابایی از عملی کردن تهدیداتش ندارد چه مواردی را می‌بایست مد نظر قرار دهند؟ فرضیه تحقیق آن است که توسل دفاع پیش‌دستانه مقبول حقوق بین‌الملل نیست لیکن توسل بدان جهت حفاظت از غیرنظامیان معقول به نظر می‌رسد. نویسندگان با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی به این نتیجه رسیدند که علیرغم عقلانی بودن استفاده از دفاع پیش‌دستانه در برابر تهدیدات قریب‌الوقوع معطوف به غیرنظامیان، توسل به راهبرد اخیر به طور خودسرانه نزد حقوق بین‌الملل معاصر مقبول واقع نمی‌شود.

کلیدواژگان

دفاع پیش‌دستانه، دفاع پیش‌گیرانه، شورای امنیت، تهدید قریب‌الوقوع، غیرنظامیان

* گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

** نویسنده مسئول، گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. / ایمیل:

molkizadeh@mshdiau.ac.ir

مقدمه

در صورت وقوع یک مخاصمه مسلحانه، رهبران نظامی و سیاسی کشورها به سهولت می‌توانند اشخاص و اماکن غیرنظامی را جهت نیل به اهداف نظامی مطلوب خود بسیج نمایند. حمایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی از اهداف غیرنظامی ذیل اصل تفکیک و انعکاس این حمایت در اسناد بین‌المللی متعدد بر دکترین نظامی هیچ کشوری پوشیده نیست (Ziaei Bigdeli, 2017: 75-76).

مطابق بند ۴ از ماده ۲ منشور، تهدید به زور و توسل به زور در عرض یکدیگر قرار گرفته و از نظر نگارندگان منشور تفاوتی با هم ندارند. می‌توان استنباط کرد که از دیدگاه منشور، تهدید به توسل به زور و توسل عملی به زور هر دو مخدوش کننده صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شوند. بنابراین صرف تهدید نیز می‌تواند منتهی به نقض منشور گردد. در دهه اخیر رهبران برخی از کشورها تهدیداتی را نسبت به دشمنانشان روا داشتند که با وحدت رویه گرفتن از آنچه گفته شد نه تنها اظهاراتشان مصداق نقض منشور است، بلکه عملی شدن اظهاراتشان جز با توسل به سلاح هسته‌ای میسر نیست و نتیجه نیز چیزی جز نقض اصل تفکیک و همچنین بند ۴ ماده ۲ منشور نخواهد بود. به عنوان مثال دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۷ اعلام کرد: «ایالات متحده آمریکا توان و صبر زیادی دارد ولی اگر مجبور به دفاع از خود و متحدانش شود ما چاره‌ای جز انهدام کامل کره شمالی نداریم» (Holland, 2017). با توجه به قدرت تخریب گسترده تسلیحات هسته‌ای فقط از این نوع از تسلیحات می‌توان انتظار تحقق انهدام کامل و متعاقباً از بین رفتن اهداف نظامی و غیرنظامی را داشت. پرسش اصلی تحقیق حاضر آن است که از منظر حقوق بین‌الملل توسل به دفاع پیش‌دستانه تا چه اندازه مقبول است؟ پرسش فرعی نیز آن است که موانع توسل به دفاع پیش‌دستانه جهت حفاظت از غیرنظامیان که می‌بایست مورد توجه رهبران قرار گیرد چیست؟ فرضیه ما بر این پایه استوار است که هر چند نمی‌توان مصداقی از توسل به دفاع پیش‌دستانه را یافت که صراحتاً مورد تأیید حقوق بین‌الملل واقع شده باشد لیکن توسل به دفاع پیش‌دستانه نه برای مقابله با تروریسم و دولت‌های یاغی، بلکه برای اعمال آن علیه کشورهایی که خالق دفاع پیش‌دستانه بوده، از ابداع مؤلفه اخیر سوء استفاده کرده، سابقه نقض اصل تفکیک را داشته، با صراحت کامل غیرنظامیان را مخاطب تهدیدات خود قرار داده و با توجه به سوابقشان عملی شدن تهدید از سوی آنها به دور از ذهن نیست گزینه معقولی به نظر می‌رسد. در شرایطی که مصلحت اندیشی سیاسی شورای امنیت در حفظ منافع کشورهای عضو دائم خود بر کسی پوشیده نیست (Rezaei Pishrabat, 2013: 191)، دفاع پیش‌دستانه جهت مقابله با جنایت علیه بشریت بر ضرورت نگارش این تحقیق دامن می‌زند. نویسندگان با هدف بررسی این موانع از روش تحلیلی-توصیفی استفاده نمودند و ابتدا با ذکر مطالبی پیرامون احتمال

¹. Donald John Trump

². Preemptive Defense

قوی نقض اصل تفکیک از سوی کشورهای دارای ناوگان نظامی پیشرفته توجه خواننده را به ضرورت اتخاذ تدابیری مفید در برابر تهدیدات قریب‌الوقوعی که غیرنظامیان را در معرض خطر جانی قرار می‌دهند جلب می‌کند. سپس موانع توسل به راهبرد دفاع پیش‌دستانه علیه تروریست‌ها یا دولت‌هایی که غیرنظامیان را مخاطب تهدیدات خود را قرار می‌دهند مورد ملاحظه قرار می‌گیرد.

۱- پیشینه

مختصراً به نقد منابع اصلی اثر حاضر می‌پردازیم. اولین منبع کتاب «حقوق جنگ: حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه» اثر دکتر محمدحسین ضیائی بیگدلی است (Ziaei Bigdeli, 2018). نقطه قوت اثر فوق پرداختن نویسنده به اصول مسلم حاکم بر مخاصمات مسلحانه به صورت مفصل، مستند و مستدل است که نویسندگان تحقیق حاضر با فرض علم خواننده بر کلیت مطالب کتاب مذکور از زیاده‌گویی اجتناب کردند. متأسفانه اثر اخیر اشاره‌ای به دفاع پیش‌دستانه نکرده است که ما سعی می‌کنیم با رعایت اختصار، آنچه در این خصوص لازم است را مورد ملاحظه قرار دهیم. دومین منبع کتابی فاخر تحت عنوان «ضربه نخست: حملات پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه در سیاست امنیت ملی ایالات متحده» اثر کارل مویلیر است (Mueller and et,al., 2017). نقطه قوت کتاب اخیر آن است که به طور مفصل به تعریف واژگانی همچون حملات پیش‌دستانه، پیش‌گیرانه و پیش‌نگرانه پرداخته و ضمن بررسی اصول حاکم بر هر یک از مؤلفات اخیر مصادیق متعددی از هر یک را نیز مطرح کرده است. نقطه ضعف اثر اخیر که نوآوری تحقیق حاضر نیز محسوب می‌گردد عدم توجه به کاربرد پیش‌دستی در توسل به زور جهت حفاظت از غیرنظامیان است. سومین اثر الهام بخش نویسندگان مقاله «واکنش قانونی به زور محتمل در روابط بین‌الملل» اثر دکتر مهدی ذاکریان است (Zakerian, 2020). نویسنده اثر اخیر با نگرشی بر پایه روابط و سیاست بین‌الملل، واژگانی همچون دفاع پیش‌دستانه و دفاع پیش‌گیرانه را مورد بررسی قرار داده است. چهارمین منبع مقاله «قاعده منع توسل به زور و دفاع مشروع در شرایط قابل پیش‌بینی» اثر دکتر مهدی علیخانی است (Alikhani, 2015). نویسنده مقاله اخیر به جایگاه دفاع پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل پرداخته است. هرآنچه که در خصوص نقاط ضعف منبع دوم ذکر شد در خصوص این منبع نیز قابل بیان است.

۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری

از منظر مفهوم‌شناسی، دفاع پیش‌دستانه که با تعابیری همچون حمله پیش‌دستانه نیز از آن یاد می‌شود عبارت است از پاسخی مسلحانه به تهدیدات قریب‌الوقوعی که بر اساس قراین و شواهد احتمال تحقق آن بسیار زیاد است (Mojarad, 2011: 23). این مؤلفه متفاوت از دفاع پیش‌گیرانه است.

¹. Preemptive Attack

دفاع پیش‌گیرانه یا حمله پیش‌گیرانه به پاسخی مسلحانه در برابر تهدیدی که زمان و مکان آن مورد تردید است ولی مانع برتری دشمن می‌شود دلالت دارد. بنابراین، بر خلاف دفاع پیش‌دستانه، در توسل به دفاع پیش‌گیرانه وجود ادله متیقن و محکم مبنی بر احتمال حمله در آینده لازم نیست (Zarif and Ahani Amine, 2012: 45-46). دفاع پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه هر دو مؤلفاتی هستند که ماهیت تهاجمی داشته لیکن با ادله تدافعی به کار گرفته می‌شوند و منطقی متفاوت از دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور که وقوع حمله مسلحانه را شرط توسل به زور از سوی قربانی می‌داند دارند.

استینبرگ^۱ در بیان تفاوت دفاع پیش‌گیرانه و پیش‌دستانه اینگونه اظهار داشته است: «پیش‌گیری در شرایطی است که شما شخصی را می‌بینید که تفنگی را در دست دارد و شما از او خوشتان نمی‌آید و در عین حال آن شخص دارای سابقه و پیشینه بدی نیز می‌باشد. با وجود اینکه آن شخص شما را با تفنگ مورد هدف قرار نداده است و شما هیچ دلیلی ندارید که فکر کنید او قصد شلیک به شما را دارد به وی حمله می‌کنید؛ اما پیش‌دستی مربوط به موقعیتی است که شخص با تفنگی مسلح مورد تهدید قرار گرفته است و از این رو جهت دفاع از خود به صورت تهاجمی وارد عمل می‌شود» (Mojarad, 2011: 23).

برخی از نویسندگان هر دو مؤلفه فوق را تحت عنوان اقدام پیش‌دستانه^۲ مورد ملاحظه قرار دادند و نیز دفاع پیش‌دستانه را چنانچه در برابر حمله‌ای قطعی مورد استفاده قرار گیرد مشمول وصف مشروعیت دانستند؛ نیز بیان داشتند چنانچه سازمان ملل عملیاتی نظامی در برابر تهدیدات انجام دهد آن اقدام عملیات پیش‌گیرانه نامیده می‌شود (Zakerian, 2020: 132).

از منظر مبانی نظری، در جانبداری از دفاع پیش‌دستانه باوت^۳ اینگونه استدلال می‌کند که از هیچ دولتی نمی‌توان انتظار داشت که منتظر بماند که حمله دولتی مسلح و آماده، احتمالاً به طور کامل توانایی‌های بعدی او برای مقاومت را منهدم سازد و بدین ترتیب موجودیت او را به خطر اندازد. علیرغم آنکه اشخاصی چون برانلی^۴، لامبرتی^۵ و رالنیک^۶ چنین دیدگاهی را به شدت مردود می‌دانند، ظاهراً توسل به دفاع پیش‌دستانه از لحاظ نظامی گزینه‌ای معقول در برابر تهدیدات و

¹. Preventive Action

². Steinberg

³. Anticipatory Action

⁴. Preventive Operation

⁵. Bowt

⁶. Brownlie

⁷. Lamberti

⁸. Rolnik

تحرکات نظامی مشکوک و قطعی نسبت به کشورهایی است که ابایی از نقض منشور و کشتار غیرنظامیان ندارند.

رهبران کشورها در توسل به دفاع پیش‌دستانه می‌بایست دو نکته را مد نظر قرار دهند:

۱- اعمال اصول عقلانی بر وضعیت: رهبران پس از آنکه دریافتند اقدامات بازدارنده آنها در دفع منشأ تهدید موثر واقع نشده و از شواهد و قراین چنین بر می‌آید که از محل تهدید یک تهاجم مسلحانه علیه آنها صورت خواهد گرفت به شکل پیش‌دستانه از قوای نظامی خود استفاده نموده و با هدف کاهش ورود خسارات جبران ناپذیر ضربه نخست^۱ را بر پیکره تهدید وارد خواهند ساخت (Mueller and et, al., 2017: 13).

۲- سنجش جدیت تهدید^۲ و عواقب توسل به زور: هنگامی که تهدید جدی بوده و ورود ضربه اول در کاهش یا از بین بردن منشأ تهدید موثر ارزیابی شود توسل به دفاع پیش‌دستانه گزینه‌ای جذاب به حساب می‌آید. لیکن اگر منشأ تهدید غیر قطعی باشد یا آنکه ورود ضربه نخست در کاهش یا از بین بردن منشأ تهدید موثر ارزیابی نشود توسل به این راهبرد چندان معقول نخواهد بود زیرا مهم‌ترین عنصر در توسل به دفاع پیش‌دستانه مسئله احراز و اثبات تهدید قریب‌الوقوع است. از نظر برخی از دولت‌مردان آمریکایی همچون رامسفلد^۳ تیاززی نیست تمام جهات حمله قریب‌الوقوع قابل اثبات باشد. وی پس از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر اعلام کرد: «هر کس به دنبال نشانه‌های کاملی از نیت دشمن قبل از انجام حمله به اهداف مورد نظرشان باشد قطعاً در قرن بیستم و قبل از حوادث ۱۱ سپتامبر زندگی می‌کند. عدم وجود نشانه‌هایی از تهدید نشانه عدم وجود تهدید نیست» (Rumsfeld, 2002).

سنجش دستاوردهای توسل به راهبرد دفاع پیش‌دستانه صرفاً معطوف به سنجش دستاوردهای نظامی آن نیست. جنگ ادامه راه سیاست است و ورود به یک جنگ تصمیمی سیاسی و در زمره اختیارات رهبران سیاسی کشورهاست. رهبران نظامی دستاوردهای ورود ضربه نخست را به رهبران سیاسی گزارش می‌دهند و دستور به اقدام ذیل مؤلفه دفاع پیش‌دستانه از سوی رهبران سیاسی صادر خواهد شد. رهبران سیاسی نیز می‌بایست عواقب و تأثیرات بین‌المللی و اخلاقی عمل خود را مورد ارزیابی قرار دهند؛ زیرا گاه ورود ضربه نخست به لحاظ نظامی کاملاً قابل توجیه اما از منظر حقوق بین‌الملل مردود به حساب می‌آید (Yazdanpham, 2007: 389).

۳- تاریخچه

از نظر واژه‌پردازی دفاع پیش‌دستانه محصول یک قرن اخیر است اما واقعیت آن است که

^۱. First Strike

^۲. The Seriousness of the Threat

^۳. Donald Rumsfeld

مصادیقی از توسل به زور در طول تاریخ مانند جنگ پلوپونز^۱ یا نبرد کپنهاگ^۲ منطبق بر اصول حاکم بر دفاع پیش‌دستانه به وقوع پیوستند. بنابراین توسل به دفاع پیش‌دستانه مسئله جدیدی نیست لیکن بکارگیری این راهبرد جهت دفاع از غیرنظامیان موضوع جدیدی محسوب می‌شود. در پی سرکوب وحشیانه و تهدیدات دولت یوگسلاوی علیه آلبانی تبارها و ناتوانی شورای امنیت در اتخاذ تصمیم، ناتو^۳ یوگسلاوی را وادار به امضاء موافقتنامه‌ای جهت جلوگیری از انجام چنین فجایع انسانی نمود. تعلل دولت یوگسلاوی در امضاء موافقتنامه منجر به حمله ناتو در سال ۱۹۹۹ به این کشور شد. ظاهراً ناتو امتناع یوگسلاوی از امضاء را به مثابه وجود تهدید قریب‌الوقوع علیه آلبانی تبارها تشخیص داده بود. روسیه به قصد محکوم نمودن ناتو پیش‌نویس قطعنامه‌ای را تهیه کرد و به شورای امنیت تقدیم نمود؛ لیکن تصمیم شورا در قطعنامه ۱۲۴۴^۴ مبنی بر حضور نظامی بین‌المللی جهت نظارت بر خروج صرب‌ها از استان محل درگیری به طور ضمنی تأیید عمل ناتو به حساب آمد (Abbasi, 2015: 86).

ورود و توجیه دفاع پیش‌دستانه در عصر حاضر با وقایع قرن ۲۰ و نیز سیاست بازدارندگی هسته‌ای^۵ مرتبط است. همزمان با تولید بمب افکن‌ها، دکترین نظامی کشورهای آمریکا، انگلستان و ایتالیا با هدف حمله به جمعیت، تأسیسات و زیرساخت‌های غیرنظامی دشمن و نیز تضعیف روحیه غیرنظامیان و فلج کردن توان اقتصادی دول رقیب، زمینه را جهت طرح ایده بمباران راهبردی^۶ مناسب تشخیص دادند. این راهبرد در طول جنگ جهانی دوم به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفت (Rafiei and Savari, 2019: 160).

سیزدهم تا پانزدهم فوریه سال ۱۹۴۵ تعداد ۵۲۷ فروند بمب افکن آمریکایی به همراه نیروی هوایی بریتانیا به وسیله بمب‌های آتش‌زا^۷ شهرهای درسن، هامبورگ، دارمشتات و کاسل را مورد تهاجم قرار داده و حدود ۶۰۰ هزار غیرنظامی را کشتند (Jokela and et.al., 2017: 240). نهم و دهم مارس ۱۹۴۵ آمریکا پس از مجهز کردن بمب افکن‌های خود به بمب‌های آتش‌زا، شهر توکیو را مورد تهاجم قرار داد و در نتیجه حدود ۱۰۰ هزار غیرنظامی کشته و حدود ۲ میلیون نفر نیز مجروح یا آواره شدند (Rich, 2020).

بمباران اتمی شهرهای هیروشیما و ناگازاکی توسط بمب افکن‌های آمریکایی در ششم و نهم

^۱. Peloponnesian War

^۲. Copenhagen War

^۳. North Atlantic Treaty Organization (NATO)

^۴. 10 June 1999

^۵. Nuclear Deterrence

^۶. Strategic Bombing

^۷. Incendiary Bomb

اوت سال ۱۹۴۵ که منتهی به کشته شدن حدود ۲۰۰ هزار غیرنظامی شد نیز به خوبی گویای آن بود که کارنامه متفقین نیز در حمله به اهداف غیرنظامی سیاه بوده و ایشان در توسل عملی به ایده بمباران راهبردی جدی و مصمم هستند (Angdal, 2020: 17).

اواخر جنگ جهانی دوم ایالات متحده آمریکا برای اولین بار در جهان از بمب اتم استفاده کرد و از همان زمان رقابت بر سر دستیابی به تسلیحات هسته‌ای در میان کشورها شدت گرفت (Niazmand, 2019: 85). متأسفانه در طول جنگ سرد، آمریکا و شوروی از طریق توسل به سیاست بازدارندگی هسته‌ای مانع از بروز جنگ مستقیم میان یکدیگر شده و برخی از کشورها نظیر انگلستان، فرانسه، چین، هند و پاکستان با اکتفا بر سیاست بازدارندگی حداقلی مانع از فراموشی منطق حاکم بر بمباران راهبردی شدند.

بر خلاف بازدارندگی هسته‌ای که در آن موجودیت دولت رقیب بوسیله تسلیحات هسته‌ای مورد هدف قرار می‌گیرد، در سیاست بازدارندگی حداقلی هدف نابودی دشمن نیست؛ بلکه هدف اصلی حمله به اهداف پر ارزش دولت رقیب بوسیله تسلیحات هسته‌ای و بالا بردن هزینه حمله برای وی و متعاقباً بازداشتن او از آغاز به حمله تأکید دارد. بدیهی است که سیاست بازدارندگی حداقلی نسبت به سیاست بازدارندگی هسته‌ای به حجم کمتری از تسلیحات هسته‌ای نیازمند است لیکن منطق هر دو همانند منطق حاکم بر بمباران راهبردی، هدف گرفتن اشخاص و اماکن غیرنظامی می‌باشد (Payne and Schlesinger, 2020: 23). متأسفانه نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری^۱ در خصوص تهدید به استفاده یا استفاده از سلاح هسته‌ای به سیاست بازدارندگی ارزش حقوقی بخشید. دیوان اعلام کرد: «نمی‌توان رویه موسوم به بازدارندگی را که بخش قابل توجهی از جامعه بین‌المللی سال‌ها از آن پیروی نمودند نادیده گرفت» (I.C.J Reports, 1996). این بخش از رای دیوان عملاً به نفع کشورهای دارای سلاح هسته‌ای و به ضرر کشورهای فاقد این سلاح بود.

پس از پایان جنگ جهانی دوم و تشکیل دادگاه نورنبرگ^۲ انتظار می‌رفت که این دادگاه آمرین و مأمورین به بمباران‌های راهبردی انجام شده در طول جنگ اخیر را محاکمه کند. بند دوم ماده ۶ اساسنامه دادگاه فوق‌ضمن آنکه تخریب خودسرانه و یا تخریب بدون ضرورت نظامی شهرها و روستاهای بزرگ و کوچک را محکوم می‌نمود، این اقدام را از مصادیق جنایات جنگی برمی‌شمرد. برخلاف انتظار عوام، متفقین علاقه‌ای به طرح و رسیدگی به چنین اتهاماتی در دادگاه نورنبرگ را از خود نشان ندادند. لذا در محاکمه هرمان گورینگ^۳ فرمانده کل نیروی هوایی ارتش آلمان

¹. Minimal Deterrence

². International Court of Justice (ICJ)

³. Nuremberg Court-1945-1946

⁴. Herman Wilhelm Goring (1946-1983)

مسکوت ماندن قضیه تخریب خودسرانه شهرها توسط وی امری بدیهی بود؛ زیرا اگر بنا بود وی به دلیل ارتکاب این جرم محاکمه می‌شد بسیاری از فرماندهان ارتش متفقین نیز می‌بایست تحت همین عنوان مجرمانه محاکمه می‌شدند (Adjei, 2020:15). متأسفانه در جنگ‌هایی نظیر جنگ کره^۱ و جنگ ایران و عراق نیز شاهد ادامه حیات بمباران راهبردی بودیم.

در سایه حمایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی از غیرنظامیانی که به طور مستقیم از شرکت در جنگ خودداری می‌کنند (Ziaei Bigdeli, 2017: 105-10) و تلاشی که در این شاخه از حقوق جهت ممنوعیت هر چه بیشتر تلافی‌جویی نظامی علیه غیرنظامیان صورت گرفته است متأسفانه توجه به اظهارات برخی از رهبران، عدم اعتقاد ایشان به حقوق بشردوستانه بین‌المللی و اصل تفکیک را نمایان می‌سازد حال آنکه اظهارات رهبران یک کشور همانند عملکردشان دارای آثار حقوقی است. به تعدادی از اینگونه اظهارات اشاره می‌کنیم:

جولای سال ۲۰۱۶ ترزا می نخست‌وزیر بریتانیا در مجلس عوام این کشور به صراحت عواقب توسل به سلاح هسته‌ای توسط این کشور علیه دشمنانش را پذیرفت (Corbyn, 2016).

۲۴ فوریه ۲۰۱۷ دونالد ترامپ طی یک سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلام داشت: «ایالات متحده آمریکا توان و صبر زیادی دارد ولی اگر مجبور به دفاع از خود و متحدانش شود ما چاره‌ای جز انهدام کامل کره شمالی نداریم» (Holland, 2017).

۲۷ ژوئن ۲۰۲۰ رهبر کره شمالی اعلام کرد: «حمله اتمی به آمریکا تنها گزینه ماست» (Bandow, 2021).

تحقیق موسسه بروکینگ^۲ در سال ۱۹۸۱ مبنی بر ۱۹۰ فقره توسل به زور توسط اتحاد جماهیر شوروی و حدود ۲۰۰ فقره توسل به زور توسط آمریکا از اول ژوئن ۱۹۴۵ تا ۳۱ اوت ۱۹۸۰ بیانگر آن است که وقوع جنگ در عصر حاکمیت قاعده تحریم جنگ غیر قابل اجتناب است. با توجه به سوابق نقض اصل تفکیک توسط کشورهای نظیر آمریکا و انگلستان، اظهارات دولتمردان برخی از کشورهای دارای ناوگان نظامی پیشرفته با محتوای تهدید به حمله علیه غیرنظامیان و استتکاف قدرت‌های بزرگ نظامی از جمله هند و پاکستان نسبت به تصویب پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو به سختی می‌توان بر این باور بود که در صورت تحقق مواضع مسلحانه کشورهای اخیر به اصل تفکیک پایبند باشند زیرا شکی نیست شماری از کشورها منافع سیاسی و اقتصادی خود را بر تحقق صلح و امنیت بین‌المللی مقدم می‌دانند (Akefi ghaziani and Akefi ghaziani, 2021).

¹. 1950-1953

². 1980-1988

³. Theresa Mary May

⁴. Brokerage Institute

ghaziani, 2020: 116)

توجه به مطالب فوق و نیز مسئله کاهش روند بازنشسته شدن تسلیحات هسته‌ای و روی آوردن کشورهای هسته‌ای به مدرنیزه کردن این نوع از تسلیحات (Kristensen and Norris, 2014: 95)، اقدام نسبت به مشاهده هرگونه تحرک نظامی و تهدید مشکوک و معطوف به غیرنظامیان را معقول جلوه می‌دهد. به موجب قواعد حقوق بشر حق حیات حقی جهان شمول در زمره حقوق مسلم هر شخصی اعم از نظامیان و غیرنظامیان محسوب می‌شود (Zakerian, 2020: 19-27)؛ لذا ضروری است که میزان مقبولیت توسل به دفاع پیش‌دستانه برای دفاع از این حق با تأکید بر حفاظت از غیرنظامیان مورد بررسی قرار گیرد.

۴- توسل به دفاع پیش‌دستانه در واقعیت

۴-۱- دفاع پیش‌دستانه؛ رویه‌ای مقبول نزد دکترین نظامی ایالات متحده آمریکا

۲۰ سپتامبر ۲۰۰۲ و در پی حملات تروریستی القاعده، سند راهبردی امنیت ملی آمریکا^۱ تصویب شد. در مقدمه این سند بیان شده بود: «ما باید آماده متوقف کردن کشورهای یاغی و تروریست‌ها باشیم قبل از آنکه آنها قادر به تهدید ما باشند یا از سلاح‌های کشتار جمعی علیه آمریکا و متحدان و دوستان ما استفاده کنند» (National Security Strategy of the United State, 2002).

مطابق بند فوق چنانچه یک تهدید از سوی یک دولت یاغی یا تروریست‌ها متوجه آمریکا و متحدانش باشد، این کشور در راستای خنثی کردن منشأ تهدید به صورت یکجانبه و قبل از دریافت حمله مسلحانه، بر خلاف رویه ماده ۵۱ منشور در باب دفاع مشروع که حمله مسلحانه را شرط توسل به زور می‌داند، به قوای نظامی خود متوسل و به صورت پیش‌دستانه ضربه نخست را بر بیکره تهدید وارد خواهد ساخت. واضح است که اجرایی شدن بند فوق مستلزم بکارگیری رویه ایست مشتمل بر پیش‌گیری از طریق پیش‌دستی نظامی برای مقابله با تهدید قریب‌الوقوع از جانب دشمن. مطابق سند اخیرالذکر هرگونه تهدیدی که بر اساس درک آمریکا قریب‌الوقوع تشخیص داده شود در حکم جوازی برای توسل به قوای نظامی برای این کشور علیه تهدیدگر است. در طرفداری از رویه فوق بیان شده است:

اولاً برخلاف گذشته که صرفاً یک یا چند دولت برای صلح و امنیت بین‌المللی تهدید محسوب می‌شدند امروزه گروه‌های تروریستی نیز موجبات تهدید صلح و امنیت بین‌المللی را فراهم آوردند. ثانیاً برخلاف گذشته که صلح و امنیت بین‌المللی توسط تسلیحات نظامی متعارف نقض می‌شد امروزه اشاعه تسلیحات نظامی نامتعارف نظیر تسلیحات هسته‌ای نیز تهدیدی علیه صلح و امنیت

¹. Al-Qaeda

². National Security Strategy, 2002

بین‌المللی محسوب شده و سهولت دسترسی تروریست‌ها به این نوع از تسلیحات جدید تهدید را دو چندان می‌کند. ثالثاً در گذشته بیشتر شاهد تهاجم به اهداف نظامی از سوی دول متخاصم بودیم؛ اما امروزه هیچ تضمینی وجود ندارد که اهداف غیرنظامی در طول یک مخاصمه مسلحانه مورد تهاجم واقع نشود و این امر بیش از پیش صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند: (Alikhani, 2015: 38).

آنتونی کلارک^۱ حقوقدان آمریکایی عقیده داشت که بر اساس دکترین دفاع پیش‌دستانه می‌توان افراد، شبکه یا حتی کشوری را مورد پیگرد یا تهاجم قرار داد. بررسی نظریات ایشان به این نتیجه ختم می‌شود که خواننده به سختی بتواند وظایف شورای امنیت سازمان ملل متحد و دولت آمریکا را از یکدیگر تفکیک کند!

۴-۲- دفاع پیش‌دستانه؛ رویه‌ای مردود نزد مجمع عمومی سازمان ملل متحد و دیوان بین‌المللی دادگستری

کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل در سال ۲۰۰۳ هیأتی عالی‌رتبه درباره تهدیدات، چالش‌ها و تغییرات تشکیل داد. دسامبر ۲۰۰۴ گزارش هیأت فوق تحت عنوان «جهانی امن تر، مسئولیت مشترک ما» به دبیر کل تقدیم شد. هیأت عالی‌رتبه در بخش سوم گزارش با نام «امنیت جمعی و استفاده از زور» در خصوص تناسب میان مقررات منشور و ماده ۵۱ با تهدیدات نوین عنوان می‌کند چنانچه تهدید واقعاً قریب‌الوقوع باشد دولت‌ها می‌توانند قبل از اینکه مورد حمله قرار گیرند به دفاع مشروع در شرایط قابل پیش‌بینی متوسل شوند اما در عین حال هیأت می‌پذیرد اگر تهدید دور از ذهن باشد و وقوع آن نیز قریب‌الوقوع نباشد دولت نمی‌تواند به زور متوسل شود. گزارش این هیأت قائل به تفکیک میان تهدید بالفعل و تهدید بالقوه بوده و در مقابل تهدید بالفعل دفاع پیش‌دستانه را تجویز می‌کند. در سال ۲۰۰۵ کوفی عنان در راستای پیشنهاد اصلاح ماده ۵۱ منشور بیان کرد: «حقوقدانان مدت‌هاست به این نتیجه رسیدند که ماده ۵۱ منشور هم ناظر به حملات به وقوع پیوسته و هم حملات قریب‌الوقوع است» (Alikhani, 2015: 35).

اظهارات دبیر کل با مخالفت گسترده مواجه شد زیرا معیار دقیق و مورد پذیرشی برای تشخیص و تعریف تهدید یا حمله قریب‌الوقوع وجود نداشت. از طرفی اظهارات وی به نوعی بود که گویا اجماع حقوقدانان مؤلفه دفاع پیش‌دستانه را پذیرفتند! در همان سال ۲۰۰۵ قطعنامه‌ای توسط سران کشورها در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید که در آن به نقش توأمان شورای امنیت به عنوان مسئول اولیه پشتیبانی از صلح و مجمع عمومی در این رابطه تأکید داشت. تصویب

¹. Anthony Clark

². Kofi Atta Annan

³. High-Level Panel on Treats, challenges, and Change

این قطعنامه حکایت از پایبندی کشورها به نص صریح ماده ۵۱ منشور و اکتفا به احراز تهدید و اقدام علیه آن توسط شورای امنیت را دارد. موضع‌گیری اخیر به معنای عدم مقبولیت مؤلفه دفاع پیش‌دستانه نزد عموم کشورها بود (O'Connell, 2009: 253-254).

توجه به رویه و آراء مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نیکاراگوئه علیه آمریکا ۱۹۸۶، سکوهای نفتی ایران ۲۰۰۳ و دیوار حائل اسرائیل ۲۰۰۴ حاکی از آن است که دیوان نیز به نص صریح ماده ۵۱ منشور و اصول حاکم بر دفاع مشروع تأکید دارد (Ghasemi and Chaharbakhsh, 2011: 192).

۴-۳- دفاع پیش‌دستانه؛ رویه‌ای مردود نزد شورای امنیت سازمان ملل متحد

در سایه سند راهبردی امنیت ملی آمریکا، ادله توجیهی آن و نیز دکترین نظامی بوش که معتقد بود می‌بایست به صورت یکجانبه علیه منشأ تهدید به زور متوسل شد، آمریکا و انگلستان به بهانه مقابله با القاعده که مسئول حملات ۱۱ سپتامبر شناخته شده بود به خاک افغانستان حمله کردند. توجیه ایالات متحده از حمله اخیر آن بود که پس از دریافت حمله مسلحانه از سوی القاعده حق دفاع مشروع ذیل ماده ۵۱ منشور در برابر آنان را دارد و چون طالبان به گروه القاعده پناه داده است مسئولیت اعمال این گروه تروریستی را نیز به عهده دارد است (Afshardi and Norouzani, 2016: 93).

حمله آمریکا ۲۵ روز بعد از اقدام تروریستی القاعده انجام شد و فاقد عنصر فوریت^۱ در مقوله دفاع مشروع بود فلذا در خصوص عدم مشروعیت کاربرد زور توسط ایالات متحده و انگلستان علیه افغانستان نقدهای گوناگونی انجام شده است لیکن آمریکا مدعی بود قراین و شواهدی مبنی بر ادامه این دست از حملات موجود است و ورود به افغانستان برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی لازم است (Salt, 2018: 99).

هنوز این کشور توضیحات کاملی در خصوص حمله خود به افغانستان ارائه نداده بود که در سال ۲۰۰۳ به بهانه جلوگیری از دسترسی دولت عراق به تسلیحات کشتار جمعی به این کشور حمله کرد. پس از آنکه تلاش‌های بوش در راستای تصویب و تأیید شورای امنیت برای برخورد با عراق بدون نتیجه ماند، وی اظهار کرد که آمریکا خواهان همکاری با سازمان ملل جهت صدور قطعنامه‌های ضروری توسط شورای امنیت است. نقطه مقابل این گفته آن است که اگر شورای امنیت در انجام چنین کاری همکاری نکند آمریکا خود به طور یکجانبه وارد عمل خواهد شد. مطالب فوق مؤید آن است که دفاع پیش‌دستانه رویه‌ای مقبول نزد آمریکاست. در کنار ایالات

^۱. George Walker Bush

^۲. Taliban

^۳. Immediacy

متحده، اسرائیل و عراق نیز تمایل زیادی به یکجانبه‌گرایی از خود نشان دادند.
 - حمله اسرائیل به فرودگاه بیروت در سال ۱۹۶۸ با این ادعا که دولت لبنان به گروه‌های تروریستی اجازه فعالیت داده و حمله اخیر به فرودگاه آتن منتسب به عمل تروریست‌های مستقر در بیروت است. در نتیجه بمباران فرودگاه بیروت توسط جنگنده‌های اسرائیلی، قطعه‌نامه ۲۶۲ شورای امنیت به اتفاق آراء اقدام اسرائیل را محکوم کرد (Mueller and et.al., 2017: 36).

- حمله اسرائیل به نیروگاه هسته‌ای اوسیراک عراق در سال ۱۹۸۱ با این ادعا که دولت عراق قصد ساخت تسلیحات هسته‌ای و استفاده از آن علیه اسرائیل را دارد. در پی نابود شدن نیروگاه هسته‌ای اوسیراک توسط جنگنده‌های اسرائیلی، شورای امنیت قطعه‌نامه ۴۸۷ را صادر، اقدام اسرائیل را محکوم و عراق را مستحق دریافت غرامت دانست. از اسرائیل نیز خواسته شد تا دیگر حتی تهدید به انجام چنین عملاتی نکند (Sutter, 2016: 1).

- حمله اسرائیل به مرکز سازمان آزادی بخش فلسطین در تونس در سال ۱۹۸۵ به بهانه دفاع مشروع علیه تروریسم که این تهاجم نیز از سوی شورای امنیت شدیداً محکوم و قطعه‌نامه ۵۷۳ علیه این کشور صادر شد. طی این قطعه‌نامه اقدام اسرائیل از مصادیق تجاوز نظامی بر شمرده شد (Jafarzadeh and Beigi, 2015: 16).

- حمله عراق به ایران و کویت در سال ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ که منتهی به صدور قطعه‌نامه ۵۹۸ و ۶۸۷ و محکومیت عراق به پرداخت غرامت شد.

۴-۴- دفاع پیش‌دستانه جهت دفاع از غیرنظامیان؛ اقدامی غیرقانونی در برابر عملی غیرقانونی؟

با توجه به آنچه گفته شد زمان پاسخ به این پرسش است که در توسل به دفاع پیش‌دستانه جهت حفاظت از غیرنظامیان در برابر تهدیدگری که ابایی از عملی کردن تهدیداتش ندارد چه مواردی می‌بایست مد نظر قرار گیرد؟ برای پاسخ به سوال فوق می‌بایست دو مسئله ارزیابی شود:

۱- جدیت تهدید: به فرض پذیرش دفاع پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل، مهم‌ترین عنصر مورد نیاز جهت در توسل بدین راهبرد نظامی جدیت تهدید است. در صورت فقدان تهدید قریب‌الوقوع نمی‌توان به این راهبرد توسل جست. میزان جدیت تهدید را می‌توان با توجه کردن به تسلیحاتی که تهدیدگر بوسیله آنها تهدید می‌کند و یا جستجوی سوابق تهدیدگر در عملی کردن تهدیداتش

¹. 31 December 1968

². Osirak

³. 19 June 1981

⁴. 4 October 1981

⁵. 20 July 1987

⁶. 3 April 1991

سنجید. رصد کردن تحرکات، استقرار تجهیزات و میزان آمادگی تهدیدگر جهت حمله نیز می‌تواند مفید واقع شود (Mueller and et.al., 2017: 32).

۲- تهدیدگر: تهدیدگر می‌تواند یک گروه تروریستی باشد. در خصوص تروریست‌ها باید گفت که اعمالشان شهادت‌طلبانه بوده و امنیت ملی و سرزمینی کشورها نزد آنان اهمیتی ندارد. بر فرض که در مقابل تهدیدی که تروریست‌ها بر غیرنظامیان کشوری وارد می‌سازند به دفاع پیش‌دستانه متوسل شویم و چنین اقدامی در دفع تهدید یا حمله مؤثر واقع شود، تلافی‌جویی تروریست‌ها علیه غیرنظامیان هر کشوری به دور از ذهن نیست. یکی از ایرادات اساسی اعمال دفاع پیش‌دستانه نسبت به تروریست‌ها این است که گروه‌های تروریستی سرزمین خاصی ندارند و در نتیجه اقدام علیه آنها حتماً متضمن لشکرکشی به قلمرو سرزمینی کشوری است که تروریست‌ها در آن سکنی گزیدند و این لشکرکشی چنانچه خودسرانه و بدون اجازه دولت میزبان یا شورای امنیت انجام شود به استناد ماده ۳ قطعنامه ۱۳۱۴ مصداق تجاوز و نیز نقض اصل احترام به حاکمیت سرزمینی کشورها است (Mueller and et.al., 2017: 32). کشورها نمی‌توانند خودسرانه نسبت به تروریست‌های کشوری دیگر به دفاع پیش‌دستانه متوسل شوند زیرا حتی کمک به دولت میزبان جهت مقابله با تروریست‌ها اجازه آن کشور را لازم دارد (Molkizadeh, 2016: 36). در صورت انجام چنین اقدامی نتیجه همان است که آمریکا در حمله به افغانستان یا اسرائیل در حمله به لبنان تجربه کرد. با توجه به عواقب توسل به دفاع پیش‌دستانه علیه تروریست‌ها و تأکید بر قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ که طی آن شورا تمام اشکال حملات تروریستی را محکوم و خود را آماده مبارزه با تروریست‌ها اعلام کرده است توسل به سیستم امنیت دسته جمعی، اقدام چندجانبه علیه تروریست‌ها و از همه مهم‌تر کمک رسانی جهت مقابله با تروریست‌ها به نفع به دولتی که تروریست‌ها در آن سکنی گزیدند منطقی‌تر از توسل یکجانبه به دفاع پیش‌دستانه و استفاده از علاجی موقت است.

گاه تهدیدگر یک دولت است. اگر دولتی به شکل مستقیم اشخاص نظامی دولتی دیگر را مخاطب تهدید قرار دهد، توسل به دفاع پیش‌دستانه علیه او با مشکلات مذکور در خصوص تروریست‌ها روبرو نیست؛ زیرا تهدیدگر دارای سرزمین، جمعیت و حاکمیت مشخص است. باید گفت توسل خودسرانه به دفاع پیش‌دستانه علیه یک دولت آن زمان که اقداماتش غیرنظامیان هر کجای جهان را در معرض خطر جانی قرار می‌دهد در تعارض با ماده ۳۹ منشور است. با نگاهی عمیق به ماده ۳۹ متوجه می‌شویم که شورای امنیت یگانه مرجعی محسوب می‌گردد که حق توسل به دفاع پیش‌دستانه را داشته و حتی می‌تواند جابجایی ادوات نظامی یا تهدیدات نظامی کشوری را

¹. 14 Desember 1974

². 12 September 2001

³. 28 September 2001

مصادق تهدید قریب‌الوقوع تشخیص دهد و اجازه دفاع پیش‌دستانه علیه تهدیدگر را صادر کند. حال ممکن است شورا به دولت در معرض خطر حق دفاع از خود را بدون تحمل حمله مسلحانه اعطا کند. توسل به زور دولت در معرض خطر جهت دفاع از غیرنظامیان خویش در این وضعیت علیرغم آنکه دفاع پیش‌دستانه است لیکن از منظر حقوقی مسلماً قابلیت توجه خواهد داشت. لذا توسل به دفاع پیش‌دستانه در شرایطی که شورای امنیت در معرض خطر قرار گرفته شدن غیرنظامیان را احراز و آن را محکوم نماید لیکن مجوز توسل به دفاع پیش‌دستانه را صادر نکند هیچ تضمینی نیست که توسل به قوای نظامی علیه تهدیدگر منطبق بر اقدام ناتو علیه یوگسلاوی واقع شود و شورای امنیت نیز اقدام اخیر را به طور ضمنی بپذیرد؛ زیرا قضیه ناتو علیه یوگسلاوی قبل از حوادث ۱۱ سپتامبر و قبل از پررنگ شدن عواقب توسل به دفاع پیش‌دستانه خودسرانه به وقوع پیوسته است. چنانچه تهدید دولتی در قالب تلاش او برای دستیابی به تسلیحات نامتعارف باشد، توسل به دفاع پیش‌دستانه علیه آن دولت با نتیجه مشابه حمله آمریکا و اسرائیل به عراق مواجه خواهد شد. ضمناً چنانچه توسل به دفاع پیش‌دستانه نتواند مانع از دسترسی آن دولت به تسلیحات نامتعارف شود، تلاش سایر دولت‌ها در جهت دستیابی به این نوع از تسلیحات از دیگر نتایج منفی توسل به دفاع پیش‌دستانه خواهد بود. البته صرف دستیابی یا تلاش برای دستیابی به این تسلیحات در حکم تهدید نامشروع نیست (I.C.J Repors, 1996).

پذیرش دفاع پیش‌دستانه جهت حفاظت از نظامیان علیرغم آنکه در مقایسه با کاربست این راهبرد برای مقابله با هر دولتی به بهانه جلوگیری او از دستیابی به تسلیحات نامتعارف اخلاقی به نظر می‌رسد. هر چند واژه‌نامه نظامی ایالات متحده آمریکا تهدید را تعریف و اقسام متعدد آن را نیز بیان کرده است (Dictionary of Military and Associated Terms, 2010: 241-242)، لیکن توسل به دفاع پیش‌دستانه نیاز به مشورت جامعه بین‌المللی در خصوص تعریف دقیق مواردی از جمله تفاوت تهدید و حمله قریب‌الوقوع، ابزار تهدید، کمیت غیرنظامیان مخاطبین تهدید، قراین تشدید کننده جدیت تهدید، موضع شورای امنیت و... دارد. به هر جهت پاسخ تهدید بوسیله زور به طور بدیهی در تعارض با اصل تناسب در دفاع مشروع است.

نتیجه‌گیری

در منشور ملل متحد نامی از دفاع پیش‌دستانه به عمل نیامده و ما نیز مصداقی از توسل به این راهبرد نظامی که صراحتاً مورد قبول حقوق بین‌الملل واقع شده باشد یافت نکردیم. البته با تحلیل ماده ۳۹ منشور به این نتیجه می‌رسیم که دفاع پیش‌دستانه صرفاً از اختیارات شورای امنیت است و خودسری در توسل بدان از سوی کشورها مصداقی بارز از نقض مواد ۲، ۳۹، ۴۱ و ۵۲ منشور محسوب می‌شود. جز در حالتی که شورای امنیت تهدید قریب‌الوقوعی را که معطوف به غیرنظامیان

است و با جابجایی تسلیحات نظامی یا قرآینی از این دست که بر جدیت تهدید دامن میزند را مطابق ماده ۳۹ منشور و ماده ۳ قطعنامه ۳۳۱۴ مصداق عملیات تجاوزکارانه قلمداد کند و به دولت در معرض خطر اجازه توسل به زور را اعطا کند، دفاع پیش‌دستانه جهت مقابله با حملات قریب‌الوقوع معطوف به غیرنظامیان تقابل دو مؤلفه غیرقانونی است. برای حفاظت از غیرنظامیان در برابر حملات قریب‌الوقوع یک راهکار دائم و یک راهکار موقت ارائه می‌دهیم. راهکار دائم مستلزم اتخاذ تدابیر و مواضع قطعی شورای امنیت نسبت به تهدیدات مسلحانه‌ای است که علیه غیرنظامیان روا می‌شود. علیرغم آنکه شورا در برابر مصادیق غیرقانونی توسل به زور مانند تجاوز نظامی مواضع سختی را اتخاذ می‌کند لیکن گاه در خصوص مصادیق تهدید به توسل به زور خبری از این از عزم راسخ شورا نیست؛ حال آنکه منشور تهدید به توسل به زور و توسل عملی به زور را در عرض یکدیگر قرار داده است.

چنانچه شورای امنیت بتواند مواضع سخت و قطعی را در برابر تهدیدات لفظی که گاه و بی‌گاه توسط دولتمردان کشوری علیه غیرنظامیان کشوری دیگر روا می‌شود اتخاذ کند کمتر شاهد پافشاری برخی دولت‌ها در استفاده از مؤلفاتی نظیر دفاع پیش‌دستانه هستیم. همانطور که اگر حمله مسلحانه‌ای نباشد دفاع مشروعی نیست؛ اگر تهدید قریب‌الوقوعی نباشد دفاع پیش‌دستانه‌ای هم نخواهد بود. راهکار موقت ما محصول برداشت جدیدی از نظر مشورتی I.C.J در خصوص تهدید به استفاده یا استفاده از سلاح هسته‌ای است. از نظر دیوان هر توسل به زوری که غیرقانونی است تهدید به توسل بدان نیز غیرقانونی محسوب می‌شود. مشخصاً حمله به غیرنظامیان به دلیل تعارض با اصل تفکیک غیرقانونی بوده و متعاقباً تهدید به انجام چنین عملی نیز غیرقانونی است. نقطه مقابل نظر دیوان بدین صورت است که هر توسل به زوری که قانونی باشد، تهدید به توسل بدان نیز قانونی است. دولت مخاطب تهدید می‌تواند در پاسخ به تهدیدات نامشروع تهدیدگر، تهدیدگر را تهدید به دفاع مشروع در صورت عملی کردن تهدیداتش کند.

دولت اخیر می‌تواند با اتخاذ تدابیر احتیاطی علیرغم آنکه خطرات ناشی از عملی شدن تهدیدات علیه غیرنظامیان را به حداقل می‌رساند، با حفظ حق دفاع مشروع خود در صورت تهاجم مسلحانه و عملی شدن تهدید، موضوع را از طریق مراجع بین‌المللی پیگیری کند و یا پس از وقوع حمله، خود ذیل عنوان قانونی دفاع مشروع علیه تهدیدگر برخیزد. ما نیز منکر تغییر در ماهیت تهدیدات و لزوم بازنگری در موادی از منشور و پذیرش مفاهیم جدید نیستیم؛ لیکن پذیرش مؤلفه دفاع پیش‌دستانه از دریچه تصویب اسناد داخلی نظیر سند راهبردی امنیت ملی آمریکا و یا توسل به این تاکتیک به پشتوانه قوای نظامی و جایگاه سیاسی نتیجه‌ای جز کمرنگ شدن نقش شورای امنیت و فاصله گرفتن از هدف اصلی منشور ملل متحد در پی نخواهد داشت.

References

1. Abbasi, M. (2015). Humanitarian intervention and international law. *Imam Sadegh University*, Tehran, First Edition. **(In Persian)**
2. Adjei, W. E. (2020). The Development of Individual Criminal Responsibility Under International Law: Lessons from Nuremberg and Tokyo War Crimes Trials. *Journal of Legal Studies (JLS)*, 25(39), 69 – 97.
3. Afshardi, M. H; Norouzani S. (2016). The Doctrine of the American Preventive War in the Peripheral Areas of the Islamic Republic of Iran. *Higher National Defense University (DAA)*, Tehran, First Edition. **(In Persian)**
4. Akefi Ghaziani, M; Atefi Ghaziani, M. (2020). Performance of the United Nations Collective Security System: The Use of Force with the Prescription of the Security Council. *Journal of International Studies (ISJ)*, 1(17), 115-139. **(In Persian)**
5. Alikhani, Mehdi. (2015). Rule prohibiting the use of force and legitimate defense in predictable circumstances. *Journal of International Studies (ISJ)*, 4(11), 21-5. **(In Persian)**
6. Angdal, C, translated by Shahrbanoo Saremi. (2020). Atomic Bombing of Hiroshima and Nagasaki. *Phoenix Publications*, Tehran, First Edition. **(In Persian)**
7. Bandow, D. (2021). North Korea Needs the Bomb to Protect Itself from America. *Foreign Policy*, July 7, at: <https://foreignpolicy.com/2021/07/07/north-korea-nuclear-weapons-united-states-deterrence/>
8. Dictionary of Military and Associated Terms. (2010). *US Department of Defense*, Washington D.C, at: https://irp.fas.org/doddir/dod/jp1_02.pdf
9. Ghasemi, A; Chaharbakhsh, V. (2011). Judicial Procedure of the International Court of Justice on Legitimate Defense after the Event of September 11, 2001. *International Law Journal*, 28(45), 175-194. **(In Persian)**
10. Holland, S; Mason, J. (2017). If threatened, U.S. will 'totally destroy' North Korea, Trump vows. September 19, at: <https://www.reuters.com/article/us-un-assembly-trump-idUSKCN1BU0B3>
11. I.C.J. Reports. (1996). Advisory Opinion: Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons. at: <http://www.worldlii.org/int/cases/ICJ/1996/2.html>
12. Jafarzadeh, M; Beigi, J. (2015). Comparative study of preemptive and preventive defense from the perspective of international law with emphasis on 9/11 attacks. *First*

International Comprehensive Law Congress, 1-21, at: <https://civilica.com/doc/503100/>.

(In Persian)

13. Jokela, M; Obschonka, M; Stuetzer, M; Rentfrow, P. J; Potter, J; Gosling, D.C. (2017). Did Strategic Bombing in the Second World War Lead to 'German Angst'? A Large-Scale Empirical Test across 89 German Cities *European Journal of Personality*. *European Journal of Personality*, 3(31), 234-257.
14. Kristensen, H. M; Norris, R. S. (2014). Slowing Nuclear Weapon Reductions and Endless Nuclear Weapon. Modernizations: A Challenge to the NPT. *Bulletin of the Atomic Scientists*, 4(70), 94- 107.
15. Corbyn, J. (2016). Theresa May would authorise nuclear strike causing mass loss of life. *Support the Guardian*, July 18, at: <https://www.theguardian.com/uk-news/2016/jul/18/theresa-may-takes-aim-at-jeremy-corbyn-over-trident-renewal>
16. Mojarad, M. (2011). Pre-war strategy from theory to reality. *Imam Sadegh University*, Tehran, First Edition. **(In Persian)**
17. Molekizadeh, A. H. (2016). Legitimate Defense in the Procedure of the International Court of Justice with Emphasis on the Case of Oil Rigs. *Majd Publications*, Tehran, First Edition. **(In Persian)**
18. Mueller, K. P; Castillo, J. J; Morgan, E. F; Pegahi, N; Rose, B. (2017). STRIKING FIRST: Preemptive and Preventive Attack in U.S. National Security Police. *the RAND corporation*, Santa Monica, Third Edition, at: https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/2006/RAND_MG403.pdf
19. National Security Strategy of the United State. (2002). *White House*, at: <https://2009-2017.state.gov/documents/organization/63562.pdf>
20. Niazmand, A. (2019). Unfulfilled NPT Promises and Upcoming Challenges: Striving for Survival or Gradual Disintegration. *Journal of International Studies (ISJ)*, 1(16), 83-102. **(In Persian)**
21. O' Connell, M. E. (2009). *International Law and the Use of Force: Cases and Materials*. *Foundation Press*, New York, Second Edition.
22. Payne, K. B; Schlesinger, J. (2020). *Minimum Deterrence: Examining the Evidence*. *National Institute for Public Policy*, Washington D.C, First Edition.
23. Rafiei, R; Savari, H. (2019). A Study of Strategic Bombing of Civilian Areas and Nuclear Deterrence Policy in the Light of the 1996 Advisory Ruling of the International

- Court of Justice and Military Facts. *Comparative Law Research*, 3(23), 155-184. **(In Persian)**
24. Rezaei Pishrabat, S. (2013). International law and illegitimacy of attack or threat of attack Armed Against Nuclear Facilities. *Quarterly Journal of Strategic Studies*, 4(62), 187 – 204. **(In Persian)**
25. Rich, M. (2020). The Man Who Won't Let the World Forget the Firebombing of Tokyo. *The New York Times Magazine*, March 9, at: <https://www.nytimes.com/2020/03/09/magazine/the-man-who-wont-let-the-world-forget-the-firebombing-of-tokyo.html>
26. Rumsfeld, Donald. (2002). Speech at National Defense University. *Fort Mc Nair*, WASHINGTON D.C, First Edition.
27. Salt, A. (2018). Transformation and the War in Afghanistan. *Strategic Studies Quarterly*, 1(12), 98-126.
28. Sutter, B. (2016). Operation Opera. *Stanford University*, March 13, at: <http://large.stanford.edu/courses/2016/ph241/sutter2/>
29. Yazdanpham, M. (2007). The First Impact: A Preemptive and Preventive Attack on American National Security Policy. *Journal of Strategic Studies*, 2(36), 385-398. **(In Persian)**
30. Zakerian, M. (2020). All human rights for all. *Mizan Publications*, Tehran, Second Edition. **(In Persian)**
31. Zakerian, M. (2020). Legal response to possible coercion. *Police International Studies*, 11(44), doi: 10.22034/interpol.2020.94984. **(In Persian)**
32. Zarif, M. J; Ahani Amineh, M. (2012). Preliminary legitimate defense of the legitimacy of the use of force in international relations or repeated violations of the UN Charter. *Quarterly Journal of International Political Research*, 12(36), 41-82. **(In Persian)**
33. Ziaei Bigdeli, M. R. (2018). Law of War. *Allameh Tabatabai University*, Tehtan, sixth edition. **(In Persian)**
34. Ziaei Bigdeli, M. R. (2017). International Humanitarian Law. *International Committee of the Red Cross*, Tehran, Fourth Edition. **(In Persian)**